

يك « ستایش نامه » زردشتی به زبان پهلوی*

« ستایشن سی روزگ » یا سپاسداری یکی از متنهای دینی زردشتی به زبان پهلوی است که کمتر مورد توجه متخصصین و محققان زبانهای ایرانی قرار گرفته، و از این رو کم شناخته مانده است. این اثر که متن پازند آن نیز در دست است، « ستایش نامه » ای است درسی بخش و در حدود پنج هزار و سیصد واژه. هر بخش این کتاب در ستایش یکی از ایزدانی است که نامش بر یکی از سی روزماه زردشتیان نهاده شده. مانند بیشتر دیگر متنهای پهلوی نویسنده و تاریخ این اثر معلوم نیست؛ اما از سبک و زبان آن میتوان چنین حدس زد که این کتاب هم، چون بسیاری دیگر از آثار پهلوی، در فاصله قرنهای نهم و دهم میلادی تصنیف و تدوین شده باشد.

تا کنون محققان برای این نظر بوده اند که این کتاب ترجمه ای است از يك ستایش نامه یا « نیایش » گمشده به زبان اوستائی متأخر و یا متن دیگری است از « سی روزه »؛ و بنا بر این آنرا جزئی از « زند خرده اوستا » دانسته اند. این فرض بیشتر از آنجایی پیش آمده که در دستنویسها اغلب متن پهلوی یا پازند « ستایشن سی روزگ » در کنار دیگر ادعیه زردشتیان قرار گرفته است. اما به عقیده نگارنده این نظر درست نمیتواند باشد چه ترجمه های پهلوی آثار اوستائی که در مراسم مذهبی بکار میرود، مانند دو « سی روزه » و « نیایش ها » و غیره، معمولاً تفاسیری را در بردارند که در متن اوستائی آنها وجود ندارد و این موضوع در مورد متن مورد بحث صدق نمیکند و عباراتی که بتوان آنرا تفسیر مضمون یا جمله یا واژه ای شناخت در آن دیده نمیشود. دیگر آنکه اگر « ستایشن سی روزگ » ترجمه ای از يك متن اوستائی بوده، بادر نظر گرفتن این حقیقت

* متن سخنرانی دکتر حمید محامدی در سومین کنگره تحقیقات ایرانی (یازدهم تا شانزدهم شهریورماه ۱۳۵۱) در تهران.

که این گونه آثار معمولاً در مراسم دینی قرائت و سینه به سینه منتقل میشود، باید انتظار داشت که متن اوستائی آنهم بر جای مانده باشد.

همانطور که پیش از این اشارت رفت، بطور کلی ایرانشناسان توجه شایسته‌ای نسبت به این اثر نکرده‌اند. متن کامل پهلوی «ستایش سی روزگ» نخستین بار توسط دهاهبهار بر اساس دو نسخه خطی موجود در هند، در آخرین بخش کتاب **زند خرتک اوستاک** در ۱۹۲۷ در بمبئی به چاپ رسید^۱ و ترجمه‌ای به زبان انگلیسی از آن نیز که بوسیله وی انجام گرفته بود، پس از مرگش در سال ۱۹۶۳ همراه با یادداشت‌هایی انتشار یافت^۲. با اینکه دهاهبهار محققى ارجمند و درخور ستایش بود، اما بر ترجمه او از این متن خرده‌های بسیار وارد است.

متن پازند «ستایش سی روزگ» پیش از متن پهلوی آن، بر اساس يك دستنویس کتابخانه ملا فیروز در مجموعه **متنهای پازند** بوسیله آنتیاد^۳ در ۱۹۰۹ طبع شد. اروندپ. مسانی نیز در ۱۹۲۰ آوانویس گجراتی این ستایش نامه را بر اساس متن آنتیا همراه با ترجمه‌ای به زبان گجراتی انتشار داد.^۴ از میان پهلوی شناسان جهان غرب که بر روی بخش یا بخش‌هایی از این متن کار کرده‌اند میتوان به ترتیب تقدم تاریخی از م. ی. مولر M. J. Müller، پیردومناش P. de Menasce و زرن R. C. Zaehner نام برد.

برای اولین بار م. ی. مولر در دهه سوم قرن نوزدهم نخستین شش ستایش این کتاب را به فارسی ترجمه کرد. ترجمه او که به چاپ نرسیده، هم اکنون در میان دیگر دستنویسهای آثار زردشتی در کتابخانه شهر مونیخ محفوظ است. این ترجمه را مولر از روی رونوشتی که از نسخه خطی نیمه اول این متن در کتابخانه ملی پاریس برداشته، به عمل آورده است. در این ترجمه مولر به خواندن بسیاری از واژه‌ها توفیق نیافته و در نتیجه صورت پهلوی آنها را عیناً نوشته و در مقابل آن در حاشیه صفحات علامت سؤال گذاشته است. بقول بار تلوومه ایرانشناس گرانمایه و نامدار نخستین دهه‌های

قرن حاضر، ترجمه مولر با اینکه خالی از اشکال نیست، اما با اینحال نمودار آنست که اوزبان و خط پهلوی را بهتر از دانشمندان دهه های آخر قرن نوزدهم میدانسته و درك میکرده.^۵

پس از مولر اولین کسی که در جهان غرب توجهی به متن «ستایش سی روزگ» کرده، پیردومناش استاد بزرگ معاصر زبان و ادب پهلوی است. دومناش در مقاله کوتاهی که به زبان آلمانی در بیست و چهارمین سالنامه موزه تاریخی شهر برن^۶ نوشته به معرفی یکی از دستنویسهای پازند این متن که تنها نسخه خطی نوشته های ایرانی در آن موزه است، پرداخته و چند سطری از ابتدای بخش نهم متن مورد بحث را در ستایش آذر، نیز به آلمانی برگردانده است.

زهره در فصل سوم کتاب مفصل و با ارزش خود **زروان** بر اساس متن پهلوی دهابهار، آوانویس و ترجمه ای از چهار بخش هشتم، پانزدهم، بیست و سوم و سی ام «ستایش سی روزگ» را که به ترتیب در وصف و نیایش او هر مزد و دو «دی» Day یا ددو Daδv، وانگران Anayrân (تجلیات سه گانه او هر مزد) است میدهد و از نقطه نظر خود در مورد آنها به بحث و تفسیر میپردازد.^۷ او همچنین چند سطری از ابتدای ستایش مهر (بخش شانزدهم) و دوسه عبارتی از ستایش وای Vây (بخش بیست دوم) را آوانویسی و ترجمه میکند.^۸

بما راجعه به فهرست نامه های طبع شده کتابخانه هائی که در آنها دستنویسهای آثار زردشتی نگهداری میشود، به این نتیجه میرسیم که از این ستایش نامه نسخ خطی فراوانی به چهار زبان پهلوی، پازند، گجراتی و فارسی وجود دارد. کترک یکی از دانشمندان پارسی هند در فهرست نامه حجیمی با عنوان **گنجینه شرقی**: شامل مشخصات فهرست و اربیش از یک هزار دستنویس به زبانهای ایرانی و هندی در کتابخانه های خصوصی پارسیان در مراکز گوناگون گجرات^۹ که در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسانیده، مشخصات دقیق سه متن پهلوی، یک دستنویس فارسی و یک نسخه

گجراتی « ستایشن » را میدهد. ۱۰ امامت‌آسفانه امروز در باره این نسخ هیچگونه آگاهی در دست نیست و حتی خود کترک از سرنوشت آنها بی اطلاع است. ۱۱

دهابهار نیز در فهرست توصیفی دستنویسهای آثار زردشتی کتابخانه ملافیروز (چاپ بمبئی ، ۱۹۲۳) ۱۲ از چهار دستنویس پهلوی ، يك نسخه پازند و يك دستنویس فارسی متن مورد بحث نام میردومشخصات آنها را بیان میدارد. ۱۳ او خود در چاپ متن پهلوی « ستایشن » از یکی از چهار دستنویس پهلوی این کتابخانه و نیز نسخه خطی دیگری با علامت اختصاری K استفاده کرده است ۱۴.

در کتابخانه‌های اروپائی نیز تعدادی دستنویس متن « ستایشن سی روزگ » موجود است که تمامی آنها مورد مطالعه دقیق نگارنده این سطور قرار گرفته است ، و در اینجا مجملاً به شرح آنها میپردازم.

۱- دستنویس کپنهاگ (K 24) شامل ۳۹ برگ به پهلوی. این نسخه که متن کامل « ستایشن » را در بر دارد در هند تحریر و در اوایل قرن نوزدهم به اروپا برده شده است.

۲- نسخه خطی کتابخانه حکومتی هند در لندن که متن کامل پهلوی را در بر دارد و بخشی است از دستنویس بزرگتری که مجموعاً ۸۶ برگ دارد (L 26). تاریخ ختم تحریر این دستنویس روز هفدهم ماه دهم سال ۱۱۰۶ یزدگردی (۱۷۳۷ م.) داده شده است.

۳- دستنویس موزه تاریخی شهر برن در سوئیس (بامشخصه PS 103) به پازند. این نسخه که متأسفانه فقط ستایشهای سوم تا شانزدهم را به طور کامل و قطعاتی از ستایشهای اول و دوم را شامل است ، ۳۷ ورق دارد و تنها دستنویس آثار ایرانی در آن موزه است. اهمیت این نسخه از آن جهت است که در ایران نوشته شده و از کرمان به اروپا رفته و شاید بتوان با مطالعه دقیق آن به چگونگی قرائت خط پهلوی توسط زردشتیان ایران تا سده هیجدهم پی برد. ۱۵

۴- نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به پهلوی که باز هم ناقص است و تنها

ستایش‌های اول تا شانزدهم را در بردارد و بخشی از یک دستنویس بزرگتر (بلوشه XXIX, 26) میباشد که در اواخر قرن هیجدهم نوشته شده. ۱۶ در این نسخه در پایان ستایش شانزدهم به خط فارسی عبارت «آخر کم است» آمده است.

۵- دستنویس کتابخانه عمومی شهر مونیخ (به علامت M19, Müller 105) به خط مولر که رونوشتی است از نسخه پاریس؛ و نیز ترجمه فارسی مولر از ستایش این متن (بامشخصه M10, Müller 95) که وصف آن در پیش گذشت.

۶- در کتابخانه جان رای لندز John Rylands در منچستر نیز یک نسخه از متن مورد بحث وجود دارد (Parsi MS 19) که تعدادی از ستایش‌ها را به صورتی آمیخته از پهلوی و پازند شامل است. این نسخه که بنا بر قول وست در اواخر قرن هیجدهم از سورات به انگلستان برده شده ۱۷، بسیار مغلوط و خالی از استفاده است. در همین کتابخانه یک برگ از یک دستنویس دیگر (به نشانه Parsi MS 4) هم نگهداری میشود که در آن بخشی از ستایش ایزد ماه آمده است و بنا بر اظهار نظر وست ۱۸ به خط محرر MH6 میباشد.

همانطور که گفته شد، سی ایزدی که در این کتاب مورد ستایش قرار گرفته اند، ایزدانی هستند که سی روز ماه زردشتی با نام آنان مزین شده است. این ایزدان به ترتیب عبارتند از:

اوهرمزد - بهمن - اردیبهشت - شهریور - اسپندارم - خرداد - امرداد - دی
به آذر - آذر - آبان - خورشید - ماه - تیشتر - گوشورون - دی به مهر - مهر -
سروش - رشن - فروردین - بهرام - رام - وای - دی به دین - دین - اهریشونگ
اشتاد - آسمان - زامیاد - مهرسپند - انگران.

بطور کلی مضمون هر دعای این اثر را میتوان به سه بخش تقسیم کرد. نخست ستایش و نیایش اوهرمزد و امشاسپندان. دوم سپاسداری از اوهرمزد که ایزد مورد ستایش را برای سود رسانیدن مینوی و دنیوی آفریدگان آفریده است. در این

قسمت معمولاً ویژگیهای مینوی و مادی هر ایزد بیان شده و مورد ستایش قرار گرفته است. در بخش سوم یکبار دیگر او هر مزدنیایش میشود و شخص دعاکننده او هر مزد را مخاطب قرار میدهد و از او میخواهد که پشتیبانی و کمک ایزد مورد بحث همچنان شامل حالش باشد تا او و خانواده اش بتوانند زندگی خوب و خوشی را داشته باشند و پس از مرگ هم راهی بهشت شوند.

یکی از جالبترین ویژگیهای این مجموعه از نظر محتوی آنست که بر طبیعت مادی ایزدان و به ویژه امشاسپندان بیش از دیگر متنهای پهلوی تکیه شده است. در بیشتر ستایشها پس از بیان طبیعت دوگانه ایزد یا امشاسپند، سرشت مادی او به تفصیل توصیف شده است. بعنوان نمونه، برگردان چند سطر از ابتدای ستایش شهریور را در اینجا میآوریم:

ستایم و از بایم دادار او هر مزد رای او مند و فره او مند و امشاسپندان (را).
سپاسدارم از دادار به افزونی، خدای نیکی ده نیک، داداری که از
آن پس که تو (را) ای شهریور، مینوی خواسته و سود و به زیستی که
گیتی ات (طبیعت مادیت) ایوخ شست ayoxsust (فلز) است آفرید.
دارائی مردم آن ز روسیم ارجمند (شد) که با آن گیتی (را) ورزند و نیز
آن آهن تیز ابر کار که با آن زمین (را) ورزند و به آن دشمن را زنند ...

نگارنده این سطور پس از بررسی و مطالعه همه دستنویسهای پهلوی و پازند موجود «ستایشن سی روزگ» در کتابخانههای اروپا و مقابله و ضبط دقیق موارد اختلاف آنها با چاپهای دهابهار و آنتیا، متنی انتقادی از این کتاب تهیه کرده است که هم اکنون همراه با آوانویس و ترجمه و یادداشتهای لغوی و دستوری و واژه نامه ای کامل آماده برای چاپ میباشد.

1. Zand-i-Khūrtak Avistāk (Bombay, 1927) pp. 223-259.
2. Translation of Zand-i-Khūrtak Avistāk (Bombay, 1963).
3. Pazend Texts, Collected and Collated by E. K. Anita (Bombay, 1909), pp. 243-273.
4. Pazand Prayer Series, No. 2 (Bombay, 1920) pp. 350-374 and 379-383.
5. Christian Bartholomae, Die Zend Handschriften der K. Hof-und Staatsbibliothek in München (Munich, 1915), pp. 12.
6. P. de Menasce, "Eine Pehlevi- Handschrift in Bernischen Historischen Museums" in Jahrbuch des Bernischen Historischen Museums in Bern, XXIVth year.
7. R. C. Zaehner, Zurvan, a Zoroastrian Dilemma (Oxford, 1955), pp. 197-199 and 216-217.
8. Ibid., pp. 247C and 236.
9. J. C. Katrak, Oriental Treasures being Condensed Tabular Descriptive Statement of over a Thousand Manuscripts and of their Colophons Written in Iranian and Indian Languages and Lying in Private Libraries of Parsis in Different Centres of Gujarat... (1941).
10. Katrak, op. cit., pp. 143. 163. 189, 24-25. 145.
- 11.

نویسنده در حدود سه سال پیش نامه‌ای به آقای شاپورف. دسائی دبیر سازمان «پارسی پونچایت Parsi Punchayet Office» نوشت و از ایشان در مورد وضع حاضر نسخ خطی مذکور استفسار کرد. آقای دسائی در پاسخی که ارسال داشتند به نقل قول از آقای کترک نوشتند که ایشان در حدود پنجاه سال پیش این دستنویسها را بررسی کرده است و در حال حاضر هیچگونه اطلاعی از آنها ندارد. در کنگره ایرانشناسان جهان در شیراز (مهرماه ۱۳۵۰) فرصت ملاقات با آقای کترک دست داد و ایشان دوباره این نکته را تأیید کردند.

12. Dahabhar, Descriptive Catalogue of Some Manuscripts Bearing on Zoroastrianism... in the Mulla Feroze Library (Bombay, 1923).
13. Ibid., pp. 31, 32-33, 36-37.
14. Zand-i-Khūrtak Avistāk, pp. 33.
15. De Menasce, op. cit.
16. Blochet, Catalogue des Manuscrits Mazdeens de la Bibliothèque Nationale (Besancon, 1900), pp. 66.
17. E. W. West, "Pahlavi Literature" in GIP., Vol. 2, pp. 108.
18. Ibid.



لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
35 لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره
لر انا یود ندرات سوفا یود سوره

تغ

در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز
در این روز و تمام روز و تمام روز

بنام بزرگ

بگ اری سید اتم بود سوسریک
وید و سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک
و سوسریک سوسریک سوسریک
سوسریک سوسریک سوسریک

سوسریک

برگ یک (روی و پشت) دستنویس کتابخانه جان رای لندز
John Rylands درمنچستر (Parsi MS 19)

ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج
ساج و ساج و ساج و ساج